

ارزیابی رضایت مندی از کیفیت فضای شهری با توجه به

متغیر جنسیت

(نمونه موردی: باغ خانواده کرج)

مجتبی رفیعیان

هیئت علمی گروه شهرسازی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

مهین نسترن

هیئت علمی گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان

سولماز عزیزپور*

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری - دانشگاه هنر اصفهان

چکیده

هدف از این پژوهش سنجش میزان کیفیت محیط با توجه به ادراک زنان از کیفیت، تعیین متغیرهای دارای تفاوت معنادار میان مردان و زنان و نحوه رتبه‌بندی متغیرهای سنجش شده در محیط توسط بانوان بود. پرسش اصلی پژوهش این بود که آیا بین کیفیت فضای شهری و ملاحظات جنسیتی ارتباط معناداری وجود دارد؟ کیفیت محیط باغ خانواده با ایجاد مدل تجربی سنجش کیفیت (درخت ارزش) با روش کل به جزء و بررسی ۸ معیار ارائه شده در ۴ سطح ارزیابی شد و داده‌ها با روش تحلیل عاملی تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که میزان کیفیت در باغ خانواده در آستانه متوسط قرار دارد در حالی که بین کیفیت باغ از دید زنان و مردان تفاوت معناداری وجود داشت و میزان کیفیت از دید زنان در آستانه پایین برآورده شد. همچنین کیفیت در میان زنان و مردان جزء معیارهای عملکرد، آسایش روانی و لذت در معیار فضای شهری و جزء معیارهای حفاظت و نظارت طبیعی در معیار امنیت با هم تفاوت معنادار دارند.

واژگان کلیدی

جنسیت؛ عدالت جنسیتی؛ فضای شهری؛ فضای جنسیتی؛ کیفیت

*نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۳

مقدمه و بیان مسئله

حوزه‌های رفتاری گوناگون در محیط شهری پدیدآورنده فضاهای مختلفی هستند و برحسب نیاز شهروندان به وجود می‌آیند. بسیاری از این فضاها به صورت فضایی عمومی ظاهر می‌شوند و جالب آن که هر فضای عمومی در ذهن استفاده‌کنندگان به خرده فضاهای شهری برای هر نفر تقسیم می‌شود. سهم عمده استفاده‌کنندگان از فضا را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند که فضای شخصی ملموس‌تری دارند. امروزه این اصل پذیرفته شده است که کلیه شهروندان بایستی در دسترسی و استفاده از فضاهای شهری دارای فرصت‌ها و شرایط برابر باشند. لذا درباره محدودیت‌های دسترسی گروه‌های خاص در فضای شهری از دیدگاه حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی به طور مکرر بحث شده است. فضای شهری به همان نسبت که می‌تواند در توسعه عدالت اجتماعی راهگشا باشد، در صورتی که دقت کافی در برنامه‌ریزی و طراحی آن‌ها انجام نشود، می‌تواند عاملی در جهت تعمیق نابرابری‌های اجتماعی شود. اگرچه زنان تقریباً بیش از نیمی از استفاده‌کنندگان از فضا را تشکیل می‌دهند، بارزتر از همه درون‌گرایان^۱ افراطی و کسانی که از فضای باز نامحدود هراس دارند، در شلوغی‌ها و فضاهای شهری احساس ناراحتی می‌کنند؛ در صورتی که آن‌ها یک اقلیت در جامعه نیستند. این مسئله به نابرابری‌های جنسیتی و ماهیت جنسیتی شده فضاهای شهری برمی‌گردد، در حالی که فضای عادلانه فضایی است که تمام شهروندان آن را متعلق به خود بدانند و بدون احساس خجالت و ترس از آن استفاده کنند. با توجه به مطالب عنوان شده دو سؤال مطرح می‌شود و هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤالات است.

۱. آیا در میزان رضایت از ادراک محیط میان زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد؟
۲. چه شاخص‌ها و متغیرهایی در میزان رضایت‌مندی از محیط در زنان و مردان تفاوت معنادار دارند؟

۱. افراد درون‌گرا به تنهایی و خلوت علاقه دارند و علاقه چندانی به حضور در فضاهای شهری نداشته و از ارتباطات اجتماعی واهمه دارند. معمولاً گوشه‌گیری و انزوا را ترجیح می‌دهند. سعی می‌کنند از محرک‌های محیطی اجتناب کنند و دلواپسی و استرس در میان این افراد بیشتر از سایر افراد است.



جنسیت در سیر تحولات شهرسازی

به نظر پیتر هال در بررسی سیر تحولات شهرسازی می‌بایست سه مرحله کاملاً متفاوت را از یکدیگر تفکیک کرد:

مرحله اول: این دوره از اوایل قرن ۲۰ تا اواسط دهه ۱۹۶۰ را در برمی‌گیرد و مظهر اصلی آن تهیه و اجرای طرح‌های جامع شهری و منطقه‌ای است (هال، ۱۹۹۴: ۲۰۵). آسمان خراش و ساختمان‌های بلند بی‌شک از بارزترین مشخصه‌های شهرسازی و معماری در این دوران است. شهرسازان و معماران در این زمان به مباحث روحی- روانی توجه خاصی نداشتند یا بیشترین برداشت آن‌ها از نیازهای روحی و روانی تنها آسایش، رفاه و آرامش بود (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۰). در این مرحله تفکر خاصی نسبت به تفاوت‌های اجتماعی جنسیتی وجود نداشت و زنان به نوعی، محور بی‌عدالتی و نابرابری هستند.

مرحله دوم: دوره برنامه‌ریزی سیستمی از اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و با تصویب قانون جدید برنامه‌ریزی شهری و روستایی در سال ۱۹۶۸، در انگلستان الگوی طرح‌های ساختاری - راهبردی را جانشین طرح‌های جامع قدیمی کرد (هال، ۱۹۹۴: ۲۰۵). در این دوران برنامه‌ریزی شهری به سمت برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، تدریجی، دموکراتیک و مشارکتی تمایل یافته است (تایلور و ویلیامز، ۱۹۸۲: ۲۶). در این دوره تصور شهرساز از انسان نیز دگرگون شد، شهروند دیگر موجودی انتزاعی و جهان‌شمول به نام انسان نبود که در هر کجا باشد نیازهای مشخص و قابل پیش‌بینی داشته باشد (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۶). در مرحله دوم نقش زنان در امر توسعه افزایش می‌یابد؛ در این دوره، طرح‌ها و سیاست‌های حمایتی به نفع زنان انجام می‌شود. مرحله سوم: در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰، به تدریج انسان‌ها فهمیدند هر تفاوتی برآمده از تضاد نیست و هر اختلافی وابسته به شرایط زمان و مکان است. یکسان‌سازی و همسان‌سازی نه تنها چاره درد نیست، بلکه تفاوت میان چیزهاست که می‌تواند آن‌ها را مکمل هم گرداند (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۸). در این دوران به مسئله فقدان مساوات اجتماعی درباره زنان توجه رسمی می‌شود و ارتقاء وضعیت زنان از لحاظ منافع و رفاه و سیاست‌گذاری در جهت ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان جزو وظایف شهرسازان قرار می‌گیرد. در این مرحله نقش دگرگون

1. Hall
2. Taylor & Williams

شونده اجتماعی زنان و نیازمندی‌های زنان به رسمیت شناخته می‌شود (هال، ۱۹۹۴: ۲۰۵). در مراحل قبلی مفاهیم دوتایی، مانند مرد/زن، خوب/بد، کمیت/کیفیت، طبیعی/مصنوع و... به صورت متضادهایی انگاشته می‌شد که یکی باید به نفع دیگری کنار برود؛ در صورتی که در این مرحله آشکار شد این واژه‌های به ظاهر متضاد، نه تنها مطلق و در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه گونه‌ای همزاد و مکمل برای یکدیگر هستند. در این دوران با توجه به بحران‌های ایجاد شده، نیاز به توجهی موشکافانه به ساختار بی‌عدالتی بین زن و مرد احساس شده و تفکر عمیق‌تری نسبت به موضوع جنسیت در سطح جهانی در برنامه ریزی و طراحی‌های شهری به وجود می‌آید.

جنسیت و فضای شهری

در بررسی رابطه بین جنسیت و فضا با پدیده‌ای تحت عنوان فضاهای جنسی شده و فضاهای جنسیتی شده مواجه شده و این سؤال‌ها مطرح می‌شوند که آیا فضا جنسی است؟ آیا فضا جنسیتی است؟ اگر چنین است جنسیتی شدن آن چگونه رخ می‌دهد؟ در پاسخ سؤال‌های فوق رندل و همکاران بیان می‌کنند که مکان‌های خاص ممکن است بر اساس جنس زیست‌شناختی افرادی که آن‌ها را اشغال می‌کنند خصوصیات جنسی داده شوند، یا بر اساس فعالیت‌های مختلف که در آن‌ها انجام می‌شود جنسیت داده شوند (رندل، ۱۹۹۹: ۱۰۱). نمونه‌هایی از فضای جنسیتی شده را می‌توان در معماری سنتی ایرانی یافت. فضاهای حرmsراها فضای جنسیتی شده زنانه بودند. جنسیتی شدن فضا زمانی به‌عنوان مشکل مطرح می‌شود که بنا به دلایلی یکی از دو جنس زن و مرد بنا به دلایلی مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره‌برداری از فضا محروم شود (کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۹). در حالی که بهره‌مندی مطلوب از فضاهای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندی محسوب می‌شود.

ساختار جنسیتی فضا در جامعه محدودیت‌های زیادی را برای زنان ایجاد می‌کند. زنان اغلب ارتباط پیچیده‌تری نسبت به محیط اطراف خود در مقایسه با مردان دارند که باعث می‌شود از آن‌ها به‌عنوان گروه آسیب‌پذیر جامعه یاد شود (بوایل^۲ و همکاران، ۲۰۰۱: ۵). آنچه را

1. Rendell

2. Boyle

که کارپ، استون و یولز (۱۹۹۱) ماهیت جنسی شده فضای شهری می‌نامند؛ می‌توان در نحوه عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک‌پذیری زنان مشاهده کرد، که این محدودیت را از لحاظ فیزیکی با القاء الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده و از لحاظ اجتماعی، با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری اعمال می‌کند(مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۶). از دیدگاه رنه شورت بیشتر ترس زنان از سهیم شدن در فضای شهری، مربوط به محدودیت‌های زمانی و فضایی آن‌ها است(رنه شورت، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

بررسی جنسیت در برنامه‌ریزی و طراحی شهری

در سال ۱۹۷۸، با چاپ مجله بین‌المللی تحقیقات منطقه‌ای و شهری، تحقیقات درباره زنان در شهر به‌عنوان موضوع خاص در نظر گرفته شد و بعد از آن در ابتدای دهه ۱۹۸۰، کتب، موضوعات خاص، مجلات و مقالاتی در این زمینه ارائه شد، اما این پژوهش‌ها تنها محدود به جهان آکادمیک انگلیسی بود. در این کتاب‌ها، مجلات و مقالات، از برنامه‌ریزی‌های شهری به علت فقدان توجه و پاسخگویی به نیازهای زنان انتقاد شد(هکسلی، ۲۰۰۲: ۱۳۶).

در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شواهدی وجود دارند که نشان می‌دهند که طرح‌ها و برنامه‌های شهری نسبت به زنان و طبقه اجتماعی آن‌ها غیر حساس هستند که در زیر به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

- قوانین منطبه‌بندی موجود در طرح‌ها و برنامه‌های شهری که باعث جدایی بین مناطق مسکونی از مناطق تجاری می‌شود و نیاز زنان را به تعادل بین فعالیت‌های خانگی و اقتصادی نادیده می‌گیرد.
- کمبود پیش‌بینی سرویس‌های خدماتی در طرح‌ها و برنامه‌های شهری موجود مثل مکان‌های نگهداری از کودکان که باعث محدود شدن فرصت‌های زنان در دستیابی به فرصت‌های شغلی و زندگی اجتماعی آن‌ها می‌شود.
- فقدان حساسیت برنامه‌ریزی حمل و نقل عمومی و مقررات ایمنی نسبت به نیازهای زنان. ایمنی مقررات شامل مسیریابی، محل‌های توقف و نورپردازی داخل وسایل

- حمل و نقل عمومی و محل‌های توقف است (سیف‌ورث^۱، ۲۰۰۲: ۳).
- فقدان تناسب ابعاد و تناسب مبلمان شهری با شرایط زنان (ستوده، ۱۳۷۵: ۶۴).

به‌طور کلی، ترلیندن مهم‌ترین نقد وارد بر رویکردهای مطالعات شهری را در این می‌داند که، طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری اکثراً توسط مردان انجام می‌شود، بدون آن که مسائل جنسیتی در برنامه‌ها و طراحی‌های شهری گنجانده شود (ترلیندن^۲، ۲۰۰۳).

عدالت جنسیتی در شهر

عدالت از مفاهیم بسیار اساسی در توسعه پایدار است. به صورتی که توسعه پایدار بدون عدالت امکان تحقق نخواهد یافت. عدالت برای انجام هر عملی که هدف آن ارتقای سطح کیفی زندگی است یک پیش شرط به شمار می‌آید رویکرد عدالت جنسیتی موضوعی بسیار مهم در زمینه توسعه پایدار تلقی می‌شود که به مفهوم تأکید بر گروه زنان است (بگام^۳، ۲۰۰۰: ۱۱). در رویکرد عدالت جنسیتی مسأله شایان توجه وضعیت زنان در شهر و جامعه و سطح عدالتی مورد نیاز آن‌ها است (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۷).

معانی استنباطی از عدالت جنسیتی در برنامه‌ریزی شهری که از نوشته‌های مختلف برداشت می‌شود شامل موارد زیر است:

- رفتار عادلانه با مردان و زنان، در فضایی که عدالت به‌عنوان یک محصول ارزیابی می‌شود و نه بر اساس تدوین استانداردهایی که تفاوت میان زن و مرد را نادیده می‌انگارد.
- عدالت جنسیتی شامل استراتژی‌های هنری برای اقدامات اصلاحی برای تبدیل فضای شهری به‌عنوان یک کل است تا آن را عادلانه‌تر و برابرانه‌تر کند.
- فضای با رویکرد عدالت جنسیتی جایی است که در آن زن و مرد می‌توانند به‌عنوان

1. seaforth
2. Terlinden
3. Begum

انسان با هم رفتار کنند.

کلستاین معتقد است، عدالت جنسیتی در شهر و فضای شهری حرکتی است از رفتارهای خودسرانه و خودخواهانه در شهر به سوی رفتارهای عقلانی، موجه و متعادل که در ارتباط با روابط اجتماعی عادلانه است (کلستاین^۱، ۲۰۰۵: ۳).

هدف این رویکرد توجه به موضوع عدالت و گنجاندن موضوع جنسیت در محیط و استفاده از بهترین روش‌ها به منظور حفاظت از محیط و به تبع آن افزایش کیفیت زندگی مردم است (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۸). با ورود هزاره جدید، کشورهای جهان خود را ملزم می‌دانند فضایی خلق کنند که در آن زندگی بهتر با حذف بی‌عدالتی بر پایه نژاد، جنسیت، طبقه یا مذهب شکل گیرد (جزنی، ۱۳۸۳: ۵۰) و هدف این رویکرد در واقع دستیابی به این مهم است. رویکرد عدالت جنسیتی به خوبی به این نکته واقف است که زنان، مردان، پسران و دختران نیازهای متفاوتی دارند و می‌کوشد تا به این نیازهای متفاوت به گونه‌ای برابر پاسخ دهد. ناعدالتی جنسیتی در حال حاضر نشان می‌دهد که نیازهای متفاوت به‌طور عادلانه برطرف نشده‌اند (ریوس^۲، ۲۰۰۳: ۵).

مؤلفه‌های تأثیرگذار برنامه‌ریزی شهری بر عدالت جنسیتی

به‌طور کلی در مبحث ارتقاء کیفیت محیط، نظر به عدالت جنسیتی، دو دسته مؤلفه کلی مطرح می‌شود. یکی مباحث تبیین‌کننده ادراک محیطی از عرصه‌های عمومی فضاست و دیگری امنیت این عرصه‌ها است. در اینجا به توضیح این دو مؤلفه اقدام شده است.

عرصه‌های عمومی (فضای شهری)

نیاز با افراد دیگر بودن مبتنی بر چندین نیاز روانی است. در واقع زنان و مردان یک گونه اجتماعی هستند که مدام در ارتباط با یکدیگرند. انسان‌ها بدون ترس از جنسیت خود به هم نیاز دارند و به تماس با دیگر انسان‌ها وابسته هستند و بدیهی است که با در کنار انسان‌های دیگر بودن قوت قلب می‌گیرند. مشاهده حضور آن‌ها از طریق نگاه کردن، شنیدن و لمس

1. Celestine

2. Reeves

کردن همه را قادر می‌کند تا خودشان را کم‌تر تنها احساس کنند، اما در این بین زنان بارزتر از همه درون‌گراهای افراطی، کسانی که از فضای باز نامحدود هراس دارند، در شلوغی‌ها و فضاهای شهری احساس ناراحتی می‌کنند. در صورتی که آن‌ها یک اقلیت در جامعه نیستند (شفتو^۱، ۲۰۰۸: ۶۶)، بلکه نیمی از افراد استفاده‌کننده از فضاهای شهری را تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی، فضاهای مؤفق فضاهایی هستند که مردمی بدون ترس از جنسیت در آن پرسه می‌زنند.

شفتو عنوان می‌کند که زنان در خواندن فضا ماهر هستند؛ یعنی تشخیص مکانی که در آن هستند و کیفیت‌هایی که از آن محل برای ارائه پدیدار می‌شود. این مسئله بیشتر از طریق بیان بصری نشانه‌هایی که یک فضا به ما می‌دهد انجام می‌یابد، هم بر حسب فرم ساخت آن و هم نوع فعالیت‌هایی (یا نبود فعالیت‌هایی) که در آن‌جا جاری است. از نظر زنان یک فضای شهری خوب باید خوانا باشد و همراه با آن‌چه که بخش‌های آن می‌توانند شناسایی شوند و درون یک الگوی منسجم سازماندهی شوند، به سهولت معنی یابد (شفتو^۱، ۲۰۰۸: ۶۶).

امنیت:

تانکیس یکی از شاخص‌های رویکرد عدالت جنسیتی را وجود امنیت در محیط‌های شهری بر می‌شمارد. از صریح‌ترین اشکالی که تفاوت جنسیتی و نابرابری جنسیتی در شهر ظاهر می‌شود، در جغرافیای خشونت علیه زنان است. حتی در زمینه‌های شهری که اصول فرهنگی یا قانونی دستیابی کامل زنان به فضاهای عمومی را نفی نمی‌کند، می‌توان بحث کرد که ادراکات و بهره‌گیری بسیاری از زنان به دلیل منطق سلطه و ترس از رفتار جنسی، محدود می‌شوند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

مسئله‌ای که زنان، (اگر نه همیشه به درستی) به خواندن آن ماهر هستند، میزان ایمن یا خطرناک بودن مکانی ناشناخته است. این عاملی تعیین‌کننده است که به‌طور جالب توجهی تصمیم خواهند گرفت که آیا آن‌ها پرسه زدن را در آن مکان انتخاب کنند یا نه. آن‌ها با بررسی افرادی که آن فضا را اشغال کرده‌اند، همچنین با نگرستن به مشخصات فیزیکی (از قبیل مقدار نور، مکان‌های پنهانی بالقوه و تحت نظارت قانون بودن)، خواهند سنجید که چگونه یک

مکان (بر حسب ریسک قربانی کردن شخصی) امن به نظر می‌رسد (شفتو، ۲۰۰۸: ۶۶). در واقع یکی از عوامل تعیین‌کننده بر اینکه آیا زنان از فضاهای عمومی استفاده می‌کنند یا از آن اجتناب خواهند کرد درجه احساس امنیت آن‌ها از فضا است. پیامد این مسئله آن است که برخی از فضاهای عمومی تک‌جنسیتی شده است.

سویت و ارتیز در سال ۲۰۱۰، نشان دادند که چگونه ایجاد امنیت می‌تواند یک ابزار برای اقدام جمعی به منظور جلوگیری و از بین بردن مرزهای فیزیکی و اجتماعی باشد که دسترسی زنان به فضاهای شهری را محدود می‌کند. آن‌ها عنوان کردند در حالی که در حال حاضر ایجاد امنیت همچنان بر مسائل فیزیکی محیط تأکید می‌ورزد نیاز است تا با استراتژی‌های اجتماعی و اقتصادی به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان اقدام شود (سویت و ارتیز، ۲۰۱۰: ۲۱۳۳). لمبریک و رینرو در مقاله‌ای تحت عنوان شهرهای امن در سال ۲۰۱۰ تعاریفی را از شهر امن بیان کردند که عبارت هستند از:

- شهری که در آن زنان و دختران می‌توانند از فضاهای عمومی و زندگی عمومی بدون ترس از مورد تجاوز واقع شدن استفاده کنند.
- شهری که حقوق اجتماعی؛ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان و دختران ضمانت شده است.
- شهری که در آن‌ها زنان و دختران در تصمیم‌گیری جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مشارکت دارند.
- شهری که دولت در آن حقوق انسانی همه مردم شامل زنان و دختران را ضمانت می‌کند.
- شهری که دستیابی زنان و مردان به عدالت در آن تضمین شده است (لمبریک و رینرو، ۲۰۱۰: ۶).

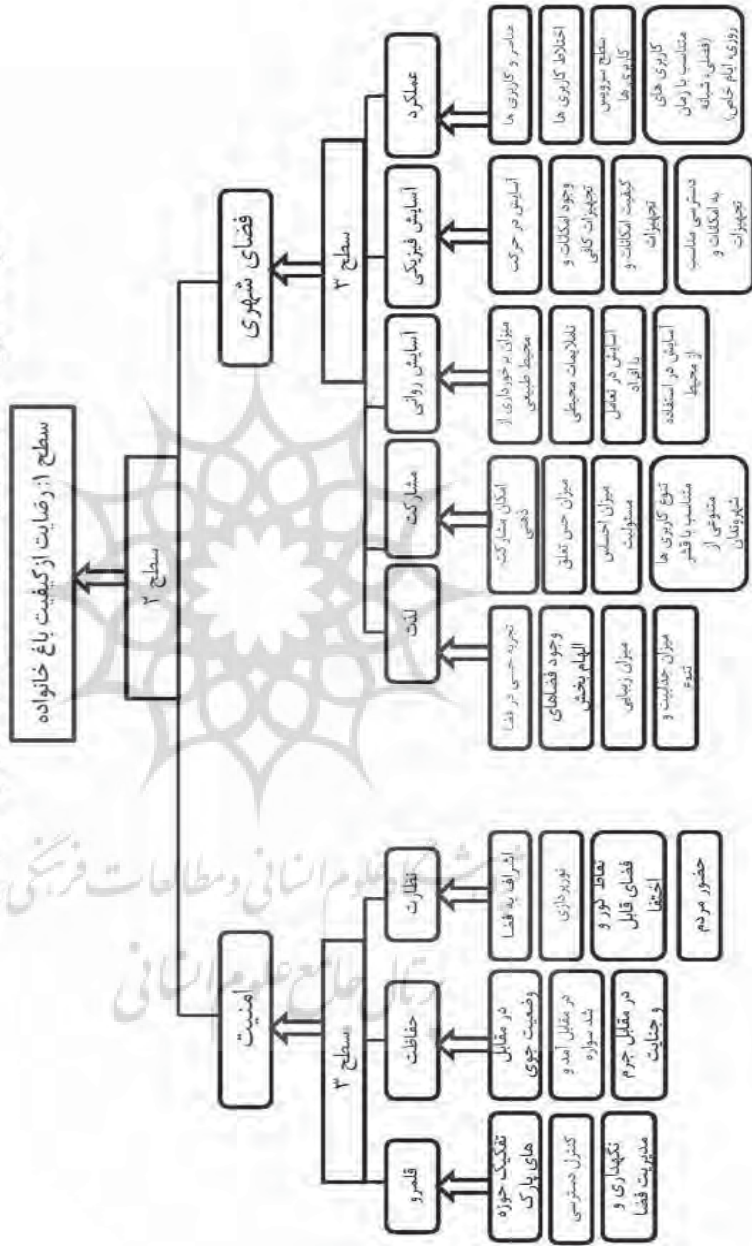
روش پژوهش

این پژوهش با توجه به نحوه گردآوری داده جزء پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. ابتدا با استفاده از روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوعی، منابع موجود در این زمینه جمع‌آوری و سپس چارچوب نظری پژوهش تهیه شد. سپس بر اساس چارچوب نظری، متغیرها و شاخص‌های مسئله تعیین و از طریق مصاحبه سازمان‌یافته و ابزار پرسشنامه اطلاعات جمع‌آوری شد. به‌طور کلی این پژوهش از نظر هدف کاربردی است که با توجه به ماهیت موضوع از دو روش توصیفی - تحلیلی استفاده شد.

ابتدا مفهوم عدالت جنسیتی در عرصه عمومی با استفاده از فرایند مفهوم‌سازی، که در واقع ساختن مفهومی انتزاعی برای فهمیدن یک امر واقعی است (خاکی، ۱۳۷۸: ۷۵)، به دو بعد کیفیت فضای شهری و امنیت تقسیم شده است تا ترکیب‌های پیچیده دو بخش کیفیت فضای شهری و امنیت قابل سنجش شود. سپس هر بعد به شاخص‌های سازنده آن تفکیک شد که خود متغیرهایی دارد. در پرسشنامه سؤالاتی متناظر با هر یک از متغیرهای مورد مطالعه طرح شده است. در واقع مدل تجربی ساخته شده برای سنجش کیفیت فضای شهری با رویکرد عدالت جنسیتی از کل محدوده فیزیکی مورد استفاده آن‌ها در سطح اول سلسله دارای ابعاد و در سطوح دوم و سوم شامل شاخص‌ها و متغیرهاست. البته، در این مقاله تنها بخشی از نتایج تحلیلی مرتبط با رابطه بین کیفیت درک شده از کل مدل تجربی طراحی شده و میزان حضور زنان در بخش‌های مختلف فضای شهری مورد مطالعه و همچنین در بخش تحلیل شاخص‌ها نیز نتایج مربوط به متغیرهای کیفیت فضای شهری باغ خانواده و امنیت آورده شده است. در جدول ۱، شاخص‌ها و متغیرهای مربوط به هر یک از ۲ بعد کیفیت محیط سنجیده شده آورده شده است. شکل ۱ نیز نشان‌دهنده ابعاد، شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده و سلسله‌مراتب هر یک از آن‌ها در مدل تجربی طراحی شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر و آشنایی با نحوه شاخص‌سازی هر یک از ابعاد مورد نظریه پایان‌نامه «برنامه‌ریزی ارتقا کیفیت محیط با رویکرد عدالت جنسیتی» در دانشگاه هنر اصفهان رجوع شود.

شکل ۱: مدل تجربی مسئله مرابئی طراحی شده برای سنجش کیفیت پارک با رویکرد عدالت جنسی



ابعاد	شاخص	متغیر
کیفیت فضای شهری	عملکرد	عناصر و کاربری‌ها
		اختلاط کاربری‌ها
		سطح سرویس کاربری‌ها
		کاربری‌های متناسب با زمان (فصلی، شبانه روزی، ایام خاص)
		امکان مشارکت ذهنی
	مشارکت	میزان حس تعلق
		میزان احساس مسئولیت
		تنوع کاربری‌ها متناسب با قشر متنوعی از شهروندان
		آسایش در حرکت
		وجود امکانات و تجهیزات کافی
آسایش فیزیکی	کیفیت امکانات و تجهیزات	
	دسترسی مناسب به امکانات و تجهیزات	
	میزان بهره‌مندی از محیط طبیعی	
	ناملايمات محیطی	
	آسایش روانی	
آسایش روانی	آسایش در تعامل با افراد	
	آسایش در استفاده از محیط	
	تجربه حسی در فضا	
	وجود فضاهای الهام بخش	
	میزان زیبایی	
لذت	میزان جذابیت و تنوع	
	تفکیک حوزه‌های مختلف	
	نگهداری و مدیریت از فضا	
	کنترل دسترسی	
	در مقابل وضعیت جوی	
حفاظت	در مقابل آلودگی و شدت سواره	
	در مقابل جرم و جنایت	
	اشراف به فضا	
	نورپردازی	
	نظارت طبیعی	
نظارت طبیعی	نقاط کور و فضای قابل اختفا	
	حضور مردم	

در مرحله بعد، از فرایند تحلیل مفهوم با توجه به رویکرد مشارکتی مطرح شده، شاخص‌ها در قالب سؤال‌های مرتبط در پرسشنامه‌ای تنظیم شد و در محدوده‌ای در شمال شرقی شهر کرج (پارک باغ خانواده) برداشت و سنجیده شد. محدوده مورد نظر پارکی در کرج محسوب می‌شود و بیشتر عملکرد تفریحی-ورزشی دارد و روزانه تعداد زیادی از زنان شهری در این قسمت تردد دارند.

تنظیم پرسشنامه و تعیین حجم نمونه

در تنظیم پرسشنامه از طیف لیکرت (پنج گزینه‌ای) استفاده شد. برآورد حجم جامعه آماری به علت نبودن آماری مبنی بر تعداد جمعیت استفاده‌کننده از پارک مشخص نبود، لذا برای تعیین حجم نمونه ابتدا در قالب یک نمونه‌گیری مقدماتی (۳۰ نمونه) امتیاز کیفیت محیط باغ خانواده به همراه انحراف معیار آن محاسبه شد که این مقدار برابر با ۰/۴۱۲۵ بود. به دلیل آنکه مطالعه از نوع توصیفی بود، برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر استفاده شد (فروند و راندولپول، ۱۳۷۸: ۱۰۰).

$$N = \left(Z_{1-\frac{\alpha}{2}}^2 \times s^2 \right) / d^2$$

با جای‌گذاری انحراف معیار در این فرمول و انتخاب دقت ۰/۵، تعداد حجم نمونه ۲۶۲ مورد به دست آمد. لذا برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به این تعداد حجم نمونه معادل ۳۲۰ عدد در نظر گرفته شد. سپس پرسشنامه‌ها در زمان‌های مختلف روز و شب در بین اقشار گوناگون زنان و مردان در قسمت‌های مختلف توزیع شد. ۵۱ مورد از آن‌ها به دلایل مختلفی نظیر فقدان برگشت حذف شدند، بدین ترتیب تنها از اطلاعات موجود در ۲۶۹ پرسشنامه استفاده شد. از این تعداد حدود ۱۳۱ نفر زن (۴۸/۹ درصد) و ۱۳۸ نفر مرد (۵۱/۱ درصد) بودند. در نهایت داده‌های خام به دست آمده دسته‌بندی و با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل^۲ و اس‌پی-اس اس^۳ و آر^۴ تجزیه و تحلیل شد.

1. Likert
2. Excell
3. SPSS
4. R

یافته‌های پژوهش

مقایسه میزان کیفیت محیط با توجه به متغیر جنسیت

برای به دست آوردن میزان کیفیت درک شده از سوی مخاطبان در باغ خانواده از آزمون مقایسه میانگین گروه‌های مستقل^۱ استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده می‌شود میانگین کیفیت باغ خانواده به صورت کلی ۳/۰۶۰۶ به دست آمد. بدین معنی که کیفیت محیط در باغ خانواده از دید تمام استفاده‌کنندگان از فضا اعم از زنان و مردان در آستانه متوسط ارزیابی شد.

جدول ۲: نتایج آزمون مقایسه میانگین گروه‌های مستقل - کیفیت باغ خانواده

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
۲۶۴	۳/۰۶۰۶	۱/۰۹۴۴۶
کیفیت باغ خانواده		۰/۰۶۷۳۶

برای مقایسه میزان امتیاز کیفیت در میان زنان و مردان، ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها در این دو گروه بررسی شد. برای این منظور آزمون تک‌نمونه‌ای کولموگوروف - اسمیرنوف^۲ به کار رفت. بر اساس نتایج این آزمون توزیع داده‌ها در گروه‌های مزبور نرمال است ($P < 0/05$). با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها در گروه‌های زنان و مردان برای مقایسه میانگین امتیاز کیفیت محیط از تحلیل واریانس یک‌طرفه^۳ استفاده شد. نتایج آن در جدول ۳ آمده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین میانگین دو گروه اختلاف معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). برای مشخص شدن این موضوع که کدام گروه میانگین بزرگ‌تر یا کوچک‌تری دارند از آزمون تعقیبی گروه‌های مستقل^۴ در نرم‌افزار R استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۴ نشان داده شده است.

1. One Sample T-Test
2. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test
3. One-Way Anova
4. Welch Two Sample t-test

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه - مقایسه کیفیت محیط در باغ‌خانواده از دید زنان و مردان

کیفیت باغ خانواده	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	سطح معناداری
بین گروهی	۱۶/۱۷۲	۱	۱۶/۱۷۲	۱۴/۱۷۷	۰
درون گروهی	۲۵۸/۸۵۹	۲۶۲	۱/۱۴۱		
جمع	۳۱۵/۰۳	۲۶۳			

جدول ۴: آزمون تعقیبی گروه‌های مستقل - مقایسه کیفیت محیط در میان زنان و مردان در باغ خانواده

میانگین مردان	میانگین زنان	سطح معناداری	انحراف استاندارد	T
۳/۲۹۷۱۰۱	۲/۶۹۴۶۵۶	۰	۲۶۳/۷۵۶	-۴/۳۹۱۸

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد مردان نسبت به زنان از کیفیت محیط راضی‌تر بوده و کیفیت درک شده از سوی مردان در آستانه متوسط ارزیابی شده است. این در حالی است که زنان به صورت کلی از کیفیت محیط ناراضی بوده‌اند.

مقایسه وضعیت کیفیت در ابعاد و شاخص‌های محیط با توجه به متغیر جنسیت

همان‌طور که عنوان شد، وضعیت کیفیت محیط در میان مردان بالاتر از کیفیت از دید زنان ارزیابی شد. در این قسمت معیارها، زیرمعیارهای مؤثر در بالاتر بودن میزان کیفیت از دید مردان نسبت به زنان بررسی شد؛ بدین منظور برای مقایسه میانگین امتیاز کیفیت محیط در ۲ معیار میزان درک فضای شهری و میزان امنیت، ۵ جزء معیار درک فضای شهری و ۳ جزء معیار امنیت از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

جدول ۵: تحلیل واریانس یک طرفه - مقایسه وضعیت ابعاد و شاخص‌های کیفیت محیط بین گروه‌های جنسیتی

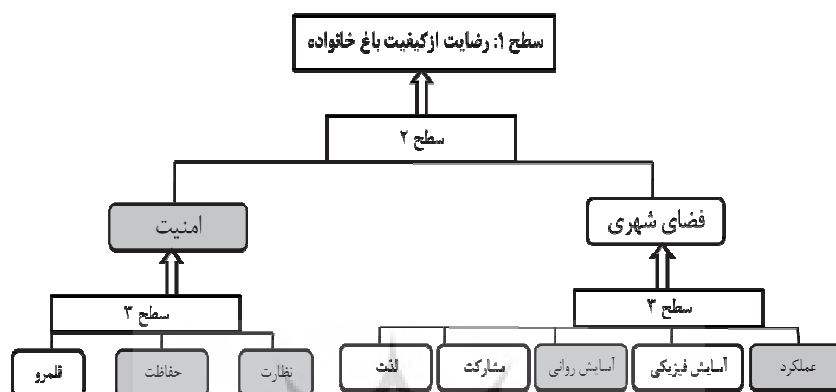
سطح معناداری	F	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	زیر معیار
۰	۱۰۴/۶۸	۱۳۷/۹۰	۱	۱۳۷/۹۰	بین گروهی
		۱/۳۲	۱۳۳۹	۱۷۶۴/۰۲	درون گروهی
			۱۳۴۰	۱۹۰۱/۹۲	جمع
۰	۳۹۷/۵۹	۴۵۵/۸۲	۱	۴۵۵/۸۲	بین گروهی
		۱/۱۵	۲۶۸۸	۳۰۸۱/۶۶	درون گروهی
			۲۶۸۹	۳۵۳۷/۴۸	جمع
۰	۲۸/۹۵	۵۵/۱۲	۱	۵۵/۱۲	بین گروهی
		۱/۹۰	۲۹۵۷	۵۶۳۰	درون گروهی
			۲۹۵۸	۵۶۸۵/۱۲	جمع
۰/۱۲	۲/۳۹	۳/۸۲	۱	۳/۸۲	بین گروهی
		۱/۶۰	۲۱۵۰	۳۴۳۵/۰۴	درون گروهی
			۲۱۵۱	۳۴۳۸/۸۶	جمع
۰/۰۸	۳/۰۲	۴/۵۰	۱	۴/۵۰	بین گروهی
		۱/۴۹	۱۶۱۲	۲۳۹۸/۷۱	درون گروهی
			۱۶۱۳	۲۴۰۳/۲۱	جمع
۰	۷۵/۵۴	۹۱/۷۵	۱	۹۱/۷۵	بین گروهی
		۱/۲۱	۱۰۷۴	۱۳۰۴/۳۷	درون گروهی
			۱۰۷۵	۱۳۹۶/۱۱	جمع
۰/۰۱	۷/۶۳	۹/۳۸	۱	۹/۳۸	بین گروهی
		۱/۲۳	۱۸۸۱	۲۳۱۱/۲۳	درون گروهی
			۱۸۸۲	۲۳۲۰/۶۱	جمع
۰	۴۸/۸۵	۷۵/۱۶	۱	۷۵/۱۶	بین گروهی
		۱/۵۴	۱۵۷۰	۲۴۱۵/۷۳	درون گروهی
			۱۵۷۱	۲۴۹۰/۸۹	جمع



با توجه به جدول ۵ نتایج آزمون نشان داد که کیفیت محیط در دو معیار لذت و مشارکت در میان گروه‌های زنان و مردان اختلاف معنادار ندارد و وضعیت آن در هر دو گروه مردان و زنان تقریباً مشابه است ($P < 0/05$). در سایر موارد معیارها اختلاف معنادار دارد ($P < 0/05$). برای مشخص شدن گروه‌های بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از آزمون تعقیبی گروه‌های مستقل در نرم‌افزار آماری R استفاده شد. با توجه به جدول ۶، نتایج این آزمون نشان داد بعد امنیت در سطح دوم و شاخص‌های عملکرد، آسایش روانی، حفاظت و نظارت طبیعی در سطح سوم این مدل، در زنان با مردان متفاوت و پائین‌تر از میانه نظری بوده است (شکل ۲).

جدول ۶: آزمون تعقیبی گروه‌های مستقل - مقایسه وضعیت کیفیت در ابعاد و شاخص‌های محیط گروه‌های مختلف جنسیتی

متغیر	t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین مردان	میانگین زنان
کیفیت فضای شهری	-۷/۰۲۲۰۴	۲۱۵۲	۰	۳/۳۰۹۱	۲/۹۶۸۵
امنیت	-۶/۱۵۰۸	۴۵۲۸	۰	۲/۹۳۸۱	۲/۵۵۳۴
مشارکت	-۱/۶۶۹۴	۱۶۱۱/۹۷۱	۰/۰۸۷۲	۳/۴۲۶۵۰۶	۳/۳۲۵۲۵۵
عملکرد	-۹/۰۷۳۱	۱۲۰۴/۹۷۵	۰	۳/۳۱۵۸۸۴	۲/۷۱۲۰۹۸
آسایش فیزیکی	-۲۰/۵۷۴۹	۲۵۲۰/۶۱	۰	۴/۱۰۷۰۹۱	۳/۲۹۵۸۷۲
آسایش روانی	-۵/۳۲۶۲	۲۹۵۴/۱۸۸	۰	۲/۹۴۰۰۹۲	۲/۶۶۹۹۱
لذت	۱/۵۳۳۴	۲۱۴۹/۱۰۲	۰/۹۳۷۳	۲/۷۵۵۸۷۷	۲/۸۳۹۳۸۸
نظارت	-۲/۷۷۳	۱۸۶۵/۶۸۲	۰/۰۰۲۸۰۴	۲/۶۰۲۴۸۴	۲/۴۶۱۲۸۷
حفاظت	-۸/۶۹۶۵	۱۰۷۳/۰۲۸	۰	۲/۵۶۷۰۲۹	۱/۹۸۲۸۲۴
قلمرو	-۶/۹۸۲۹	۱۶۰۹/۵۹۱	۰	۳/۶۴۴۹۲۸	۳/۲۱۶۲۸۵



شکل ۲: نمایش ابعاد و شاخص‌های با کیفیت بالاتر در مدل تجربی از دید مردان نسبت به زنان

رتبه‌بندی ابعاد و شاخص‌های سازنده کیفیت از دید زنان

برای این منظور از روش کدگذاری در نرم‌افزار R با توجه به داده‌های به‌دست آمده از زنان، استفاده شد. در این روش ضرایب حاصل نشان‌دهنده میزان اهمیت هر یک از متغیرهای مشاهده شده (معیارهای سازنده کیفیت) بر متغیر پنهان (کیفیت محیط) است. بدین ترتیب که اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهنده اهمیت بیشتر و اعداد کوچک‌تر نشان‌دهنده اهمیت کم‌تر است.

در مرحله اول، ابتدا معیارهای سازنده کیفیت در باغ خانواده واقع در سطح سوم درخت ارزش (شکل ۱) به عنوان متغیرهای مشاهده شده نسبت به متغیر پنهان کیفیت محیط در باغ خانواده بررسی شده است. مقدار شاخص P کم‌تر از $0/05$ ، به‌دست آمد که حاکی از مناسب بودن مدل است. بر اساس نتایج این روش:

- هر یک از متغیرهای مشاهده شده (عملکرد، مشارکت، لذت، آسایش فیزیکی، آسایش روانی، قلمرو، حفاظت از محیط و نظارت طبیعی) با متغیر پنهان کیفیت فضای شهری رابطه معناداری دارند ($P < 0/05$).
- با توجه به ضرایب رابطه متغیرهای مشاهده شده بر متغیر پنهان می‌توان میزان اهمیت هر یک از متغیرهای مشاهده شده را محاسبه کرد.



جدول ۷: اولویت‌بندی شاخص‌های سازنده کیفیت درک فضای شهری

اولویت‌بندی	سطح معناداری	میزان تأثیر	متغیر
۴	۰	۰/۸۳۵	آسایش روانی
۲	۰	۰/۷۸۶	آسایش فیزیکی
۱	۰/۰۰۱	۱	عملکرد
۵	۰/۰۰۱	۰/۵۳۹	لذت
۳	۰	۰/۸۳۱	مشارکت
۱	۰/۰۳	۰/۸۶۷	حفاظت
۳	۰/۰۰۱	۰/۷۳	قلمرو
۲	۰/۰۰۱	۰/۸۲۴	نظارت

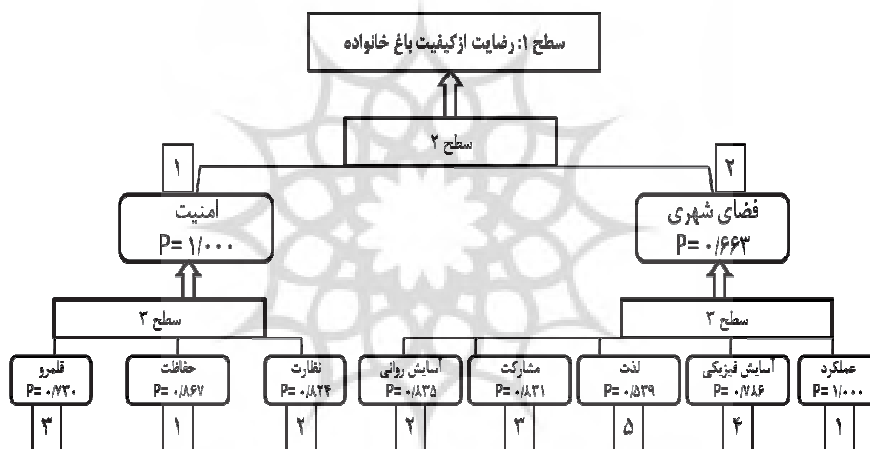
در مرحله دوم، دو معیار اصلی سازنده کیفیت محیط در باغ خانواده (درک فضای شهری و امنیت) واقع در سطح دوم درخت ارزش شکل ۱ نسبت به متغیر پنهان کیفیت محیط باغ خانواده بررسی شد. بر اساس نتایج این آزمون:

- هر یک از متغیرهای مشاهده شده (درک فضای شهری و امنیت) با متغیر پنهان کیفیت محیط باغ خانواده رابطه معناداری دارند ($P < 0/05$).
- با توجه به ضرایب رابطه متغیرهای مشاهده شده بر متغیر پنهان می‌توان گفت برای زنان میزان اهمیت امنیت از درک فضای شهری بالاتر بوده است. در جدول ۸ این اولویت‌بندی نشان داده شده است. بدین ترتیب در شکل ۳ اهمیت هر یک از معیارهای سازنده کیفیت محیط باغ خانواده توسط زنان نسبت به یکدیگر نشان داده شده است.

جدول ۸: اولویت‌بندی ابعاد سازنده کیفیت محیط شهری

متغیرهای مشاهده شده	میزان تأثیر	سطح معناداری	اولویت‌بندی
فضای شهری	۰/۶۶۳	۰/۰۰۰	۲
امنیت	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱

شکل ۳: ضریب اهمیت هر یک از معیارهای سازنده کیفیت محیط از دید زنان

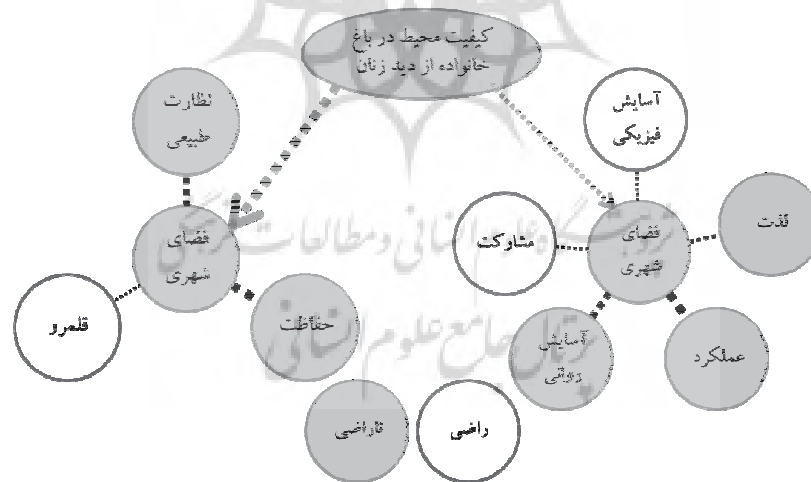


بحث و نتیجه‌گیری

جنسیت مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار در بین ویژگی‌های شخصیتی است. این امر تحلیل جداگانه عوامل مؤثر بر درک کیفیت فضای شهری از سوی گروه‌های مختلف جنسیتی را ضروری می‌کند. ذهن‌های زنان در خواندن فضا- یعنی تشخیص مکانی که در آن هستند و کیفیت‌هایی که از آن محل برای ارائه پدیدار می‌شود- ماهر است. این مسئله بیشتر از طریق بیان بصری نشانه‌هایی انجام می‌شود که یک فضا به ما می‌دهد، هم بر حسب فرم ساخت آن و هم نوع فعالیت‌هایی (یا نبود فعالیت‌هایی) که در آن‌جا جاری است، اما در این بین زنان بارزتر از همه

درون‌گراهای افراطی و کسانی که از فضای باز نامحدود هراس دارند، در شلوغی‌ها و فضاهای شهری احساس ناراحتی می‌کنند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زنان در استفاده از فضاهای شهری نسبت به مردان تفاوت معناداری را از خود نشان می‌دهند. در شکل ۴ وضعیت رضایت / نارضایتی و میزان اهمیت هر یک از معیارهای بررسی شده به‌طور خلاصه نشان داده شده است. با اشاره به این شکل می‌توان بیان کرد که در حالت کلی زنان از شرایط فعلی خود در باغ خانواده اظهار نارضایتی کرده‌اند. وضعیت کیفیت در هر دو معیار اصلی سازنده کیفیت در باغ خانواده با توجه به رویکرد عدالت جنسیتی در سطح دوم مدل تجربی پائین‌تر از متوسط ارزیابی شد. همچنین اهمیت امنیت بالاتر از کیفیت فضای شهری بوده است. در سطح سوم مدل از ۵ معیار سازنده کیفیت در فضای شهری، زنان از آسایش فیزیکی و مشارکت اظهار رضایت‌مندی کرده‌اند. سپس لذت با میانگین نزدیک به میانه نظری قرار گرفت و از سایر مؤلفه‌ها اظهار نارضایتی کرده‌اند. در مورد ۳ جزء سازنده امنیت زنان تنها از قلمرو اظهار رضایت داشته‌اند و از سایر موارد ناراضی بوده‌اند.



شکل ۴: وضعیت کیفیت محیط و اولویت‌بندی ابعاد و شاخص‌های کیفیت از دید زنان

فقدان رضایت‌مندی زنان از باغ خانواده نشان‌دهنده الگوها و هنجارهای جنسیتی در این

فضای شهری است. باغ خانواده با بازنمایی تصویری از نابرابری‌های جنسیتی در جامعه، در جهت بازتولید این نابرابری‌ها گام برمی‌دارد. این فضا از طریق نادیده گرفتن نیازهای زنان و کم‌ارزش جلوه دادن زنان نسبت به مردان، برتری یک جنس بر جنس دیگر را به نمایش می‌گذارد و ارزش‌ها و هنجارهای جنسیتی سنتی را تأیید و تثبیت می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸). *تجدد و فراتجدد و پس از آن در شهرسازی*. تهران: دانشگاه تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۰). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)*؛ از فضا تا مکان. تهران: آرمانشهر.
- تانکیس، فرن (۱۳۸۸). *فضا، شهر و نظریه اجتماعی*؛ مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری. ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: دانشگاه تهران.
- جزنی، نسربین (۱۳۸۳). *عدالت جنسیتی، پیش شرط توسعه پایدار*. در مجموعه مقالات زن و توسعه. گردآوری نسربین جزنی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رنه‌شورت، جان (۱۳۸۸). *نظریه شهری، ارزیابی انتقادی*. ترجمه کرامت‌الله زیاری، حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز. تهران: دانشگاه تهران.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸). *روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه نویسی*. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز تحقیقات علمی کشور، تهران: کانون فرهنگی انتشارات درایت.
- رنه‌شورت، جان (۱۳۸۸). *نظریه شهری، ارزیابی انتقادی*. ترجمه کرامت‌الله زیاری، حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز. تهران: دانشگاه تهران.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۵). *مفاهیم بنیادی در جامعه‌شناسی*. تهران: آوای نور.
- فروند، جان، و راندولفول (۱۳۷۸). *آمار ریاضی*. ترجمه علی عمیدی و محمد قاسم وحیدی اصل. تهران: دانشگاه تهران.
- کاظمی، مهروش (۱۳۸۸). *رویکردی تحلیلی به مقوله جنسیت و تأثیر آن در کیفیت فضا*. مجله هویت شهر. ۴ (۳): ۴۷-۵۸.
- محمدی، مریم (۱۳۸۷). *عدالت جنسیتی در طراحی فضاهای شهری با تأکید بر حضور زنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری. دانشگاه علم و صنعت. ۲
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). *طراحی فضاهای شهری، نگرشی به فرایندی اجتماعی مکانی*، ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- Begum, Julekha.(2000). Women, environment and sustainable development, making the links. *Women and he environment*: 11-27.
- Boyle, Julie, Catherine Findly, & Lelie Forsyth(2001). An investigation into women's perceptions of fear and the design of architecture. *Tourism management* : 5-16.

- Celestine, Nyamu(2008). Addressing formal and substantive citizenship, gender justice in sub-saharan in Africa. *Pambazuka News*:10-11.
- Hall, Peter(1994). *Urban and regional planning*. London: Routledge.
- Hxley, Margo(2002). *Governmentality, Gender, Planning in Planning future*. London: routledge.
- Lambrick, Melanie, & LilianaRainero(2010). *Safe cities*. Red Mujer y Hábitat UNIFEH.
- Rendell, Jane, Barbara Penner & Iain Border(1999). *Gender, space and architecture*. London: routledge.
- Seaforth, Wandia(2002). Towards women friendly cities. United nations human settlements programme, *UN-Habitat*. Vol. 8. No.4.
- Sheftoe, Hanry(2008). *Convivial urban spaces: creating effective public spaces*. London: earthscan press.
- Sweet, Elizabeth, & Sara Ortiz(2010). How planning engages gender violence: evidence from spain, mexico and the U.S. *urban studies* .47: 2129-2147.
- Terlinden, Ulla(ed)(2003). *City and gender, international discourse on gender, urbanism and architecture*. Hannover: verlayLesk + BurdichOploden, ISBN: 3-8100-3495-9.
- Tylor,J, & Edward Williams(1982) *Urban planning practice in developing countries*. London: oxford.